

## سازمان CIA

پاره ای از عملکرد های گذشته سازمان CIA در امریکای لاتین؛  
گوشه ای از کارکرد های این سازمان در افغانستان.

### بخش (۹)

#### کبیر توخی

تاریخ نگارش ( ۱۴ جنوزی ۲۰۰۹ )

تاریخ ارسال آن به پورتال " افغانستان آزاد - آزاد افغانستان " ( ۲۳ / ۲ / ۲۰۱۲ )

#### گوشه ای از عملکرد های CIA در افغانستان

- ۱- تأملی گذرا؛ بر سیاست امپریالیزم امریکا در قبال افغانستان .
- ۲- امپریالیزم امریکا برای تسخیر افغانستان به کدام شیوه ها متصل شد .
- ۳- بعضی ابعاد مهم کار کرد های سازمان سیا که منجر به کمترین عکس العمل مردم در برابر تجاوز آشکار امریکا به افغانستان گردید.
- ۴- سازمان سیا با کدام نهاد ها در افغانستان اعمال نفوذ می کرد.
- ۵- فعالیت سیا در قالب انجو ها در افغانستان.
- ۶- زندان های افغانستان و زندان های اعمار شده توسط امریکا ، تماماً تحت نظر مستقیم سیا اداره می شوند.
  - A- زندان های رسمی
  - B- زندان های خصوصی
- ۷- مروری بر ارتش های خصوصی [ Private Military Companies ( PMC )
- ۸- ازخاد KGB تا "راما"ی CIA در افغانستان
  - A- نگاهی اجمالی به خاد KGB و اسلافش
  - B- ریاست عمومی امنیت ملی افغانستان

## A- زندان های رسمی :

خلق شریف و آزادیخواه افغانستان در درازنای تاریخ پر افتخارش در برابر تجاوز آرام ننشسته اند. از یک سال بدینسو خیزشهای خود انگیخته ای در برابر اشغالگران " ناتو " و ارتش نهایت بی رحم و بی پروای امپریالیزم امریکا در کشور به نظر می رسد . شاهد این مدعا توسعه شتابزده زندان ها به خصوص زندان پلچرخ توسط امپریالیزم امریکا [ که یک بار با مصرف (هزینه) یازده (۱۱) میلیون دالر امریکائی بلاک چهار آن را مطابق معیار های مدرن بازسازی نمود . و بار دیگر با مصرف هفده ( ۱۷ ) میلیون دالر دیگر، بخش جدیدی در داخل چهار دیواری این زندان وسیع الساحه اعمار کرده که با مدرنترین آلات و ادوات حفاظتی و... مجهز بوده و بیش از ۳۰۰ سلول دارد . این امر ، ازدیاد زندانیان سیاسی در زندان بزرگ پلچرخ را به روشنی نشان می دهد] همچنان اعتصابات و واکنشهای زندانیان در برابر زندانبانان وطن فروش تا سرحد اشغال زندان و برخورد باجلادان و دژخیمان نیرو های ائتلاف شمال به ریاست جنرال سلام بخشی [که مربوط جبهه متحد سمت شمال است] ، که سازمان سیا امریکا با خرید شمار مهمی از این جاسوسان و قاتلین حرفه ئی خاد ، آنان را اختیار دار عام و تام تمام زندان ها به خصوص زندان مخوف پلچرخ ساخته است .[\*] تشریح شگرد ها ، ترفند ها و میتود های خادی ها که بر زندان ها؛ چون دوران اشغال کشور توسط ارتش خون آشام روس، (به مفهوم تحت نظرمستقیم سیا) حاکم اند. و به خاطر کسب امتیازات نظامی، سیاسی و اقتصادی برای امپریالیزم روس ؛ همچنان تأمین منافع خود، خوش رقصی هائی در برابر امریکائی ها انجام می دهند و از هیچ گونه شقاوت و پستی و جنایت ، به ضد مردم و منافع آنان دریغ نمی ورزند ؛ شامل کار این نگاشته نمی باشد. از یک سال به اینطرف مطالب زیادی از طریق رسانه های افغانی و رسانه هائی که در خدمت نظام های دست نشانده و امپریالیزم قرار دارند، مانند نشریه "نیویارک تایمز" و رادیوی BBC و امثال شان در باره زندان ها، مخصوصاً زندان معروف و مخوف پلچرخ و تجاوز به زندانیان زن - این مظلومان بی دفاع - و حتا مردان و پسران ، داد سخن سر داده اند. آوردن اینهمه مطالب ، یعنی جنایاتی که

---

[\*] آغلام سرور آرزو که از نوشته اش پیداست ، خود از زمره خادی های مهم و جنایتکار بوده و از موضع نجیب و خاد در برابر سیستمی در "شبکه اطلاع رسانی افغانستان" به دفاع برخاسته و سیستمی را عضو مهم کی جی بی خوانده؛ در رابطه با ترکیب خاد کنونی کرسی چنین نوشته " آقای سیستمی تلاش دارند تا قبل از افشاء خود وجلوگیری از آن در تلاش محکمه همه کارمندان خاد و واد افتاده که امروز ۷۰ فیصد اپرات .کادر ها و آمرین ارشد امنیت ملی کرسی را همان کارمندان رشید، صادق، وطن پرست تشکیل داده که خود زنگ خطر برای سیستمی ها ... میباشد" ( برای خادی های وطن فروش تغییر طبقات حاکمه ، تغییر رژیم ، چه وابسته و چه دست نشانده؛ تجاوز و اشغال کشور توسط سوسیال امپریالیزم خون آشام روس و یا امپریالیزم جنایت کار امریکا و شرکاء هیچ فرقی ندارد . برای این شرف باختگان و جاسوسان حرفه ئی یگانه چیزی که نهایت مهم و حیاتی است همانا قلاده خدمت و "حفظ امنیت" این رژیم ها می باشد از همین سبب در تلاشند به هر قیمتی که شده آن را به چنگ آورده زیب گردن های خم شده خود نمایند و آنگاه واژه های "رشید" ، "صادق" ، "وطن پرستی" را یکی بر دیگری اطلاق نمایند ]

هم اکنون دولت دست نشانده و شرکای شورای نظاری ، دوستمی ، خلقی ، پرچمی ، خادی ، وحدتی، سیافی و سایرهمپالکی های جنایتکار و وطن فروشش به خاطر تحکیم پایه های لرزان سلطه امپریالیزم امریکا در زندان ها مرتکب می شوند؛ به روی صفحات اخبار و جراید و پخش آن از طریق رادیو ها، مخصوصا BBC، عاقدانه هم می باشد ، تا از یک جهت رعایت امر دموکراسی رسانه ئی را در ارائه اخبار تمثیل نمایند، و از جانبی دیگر طیف مشخص رسانه های امپریالیستی از موضع منافع سیاسی شان در مورد زندان پلچرخ و تجاوز به زنان و مردان مطالبی را مطرح کرده اند ، تا از بار بسیار سنگین کشتار های دسته جمعی مردم مظلوم و بی دفاع ما توسط عساکرنهایت بی رحم امریکائی و شرکایش کاسته باشند و آن را کمرنگ ساخته، شمارکشتار های روز افزون آنان را، اندک و ناشی از جاسوسی غلط شورای نظاری ها ، دوستمی ها ، وحدتی ها ، و سایر بو کشان قلاده به گردن امریکا؛ جلوه دهند .

درهمین راستا کارمندان و نطقان رسانه های امپریالیستی از جمله رادیو BBC \_ که سازمان اطلاعات انگلیس وطن فروشان خلق و پرچم را از سالها پیش طور معروف " اختیاردارش " ساخته و [ چنانچه خبر تقرر یکی از این مزدوران اجنت MI6 شده (ظاهر طنین) را به سمت نماینده افغانستان به "ملل متحد"، همگان از این رادیو شنیدند] به این کهنه کاران صلاحیت های کم و بیش ، درانتخاب اخبار مربوط به افغانستان ؛ حتا تفصیل و تلخیص آن را داده است. اینان نیز از موضع منافع بادار جدید و بادار روسی شان در افغانستان ، مذبحخانه تلاش می ورزند ، تا اخبار زندان ها، شکل برخورد مسؤولین امریکائی و مزدوران آنان نسبت به زندانیان را در افغانستان همواره در مرکز اخبار قرار دهند ، تا جنایات خود و باداران روسی شان را در افغانستان از حافظه جمعی مردمی که؛ حتا صحنه های زندان و شکنجه و تجاوز و پولیگون و اعدام و کشتار و آوارگی و طفل فروشی و انهدام خانه و کاشانه خود را در خواب نیز می بینند، بزادیند و توجه مردم را (هرچند برای مدتی) از به محکمه کشانیدن خودشان منحرف نموده به جانب جنایات امپریالیزم امریکا در افغانستان سمت و سو بدهند.

اینک بخش های جداگانه اخبار BBC در رابطه با عملکرد CIA در مورد زندان و چگونگی نقل و انتقالات زندانیان از یک زندان به زندان دیگر را غرض سهولت در مطالعه ، منسجم نموده در ذیل آوردم، تا خوانندگان گرامی در جریان مسایل مربوط به زندان و زندان داری و شکنجه و... ، قرار گیرند . هرگاه این قلم در رابطه با اخبار تبصره ای داشته باشد آن را در میان قوس مربع [ ] تقدیم خوانندگان خواهد نمود .

اخبار بخش شده از رادیوی BBC که با علامه ستاره (\*) در زیر نشانی شده :

برای نگهداری زندانیانی که در حال حاضر در بازداشتگاه های امریکائیان در گوانتامو و بگرام به سر می برند، بخشی جدیدی در زندان پلچرخی کابل ایجاد شده است.

نخستین گروه از زندانیان افغان در گوانتامو هفته آینده در تاریخ ۱۳ حمل به کابل انتقال می یابند و در این بخش جدید جابه جا خواهند شد.

این بخش که به کمک مالی امریکا به مصرف ۱۷ میلیون دالر امریکائی ایجاد شده بیش از ۳۰۰ سلول دارد. محترم عبدالرحیم وردک، وزیر دفاع افغانستان در مراسم افتتاح بلوکهای جدید زندان پلچرخی کابل گفت که این بخش از زندان مطابق با معیارهای بین المللی ساخته شده و امکانات و سهولت های لازم را دارد. هنوز شمار زندانیانی که قرار است هفته آینده به این زندان منتقل شوند، مشخص نشده اما مقامات افغان امیدوارند که ظرف چند ماه آینده همه زندانیان افغان از گوانتامو و بگرام به پلچرخی منتقل خواهند شد. در حال حاضر صدها تن به اتهام عضویت در گروه های تروریستی در بازداشتگاه های امریکائیان به سر می برند.

آنگونه که وزیر دفاع افغانستان می گوید کسانی که در آینده به اتهامات مشابهی گرفتار خواهند شد نیز در پلچرخی زندانی خواهند شد.

هنوز مشخص نیست کسانی که از گوانتامو و بگرام به پلچرخی منتقل می شوند، چه انجمنی دارند و در مورد آنها چه تصمیمی گرفته خواهد شد.

\* - [www.sharghnewspaper.com](http://www.sharghnewspaper.com) ۲۸,۰۲,۰۶

مرکز «بررسی وضعیت زندانیان» رقیب گوانتانامو شناخته شد ، افشای اخبار بازداشتگاه بگرام

گروه بین الملل، اشکان خواجه نوری:

» در حالی که مذاکرات بین المللی در مورد سرنوشت زندان گوانتانامو در جریان است و ارتش امریکا هنوز با درخواست تعطیلی آن مخالفت می کند، وزارت دفاع امریکا بدون هیچ سروصدائی مشغول گسترش زندانی شبیه به گوانتانامو در افغانستان است . در حال حاضر در این زندان در حدود ۵۰۰ نفر در شرایط بسیار بدتر از گوانتانامو، بدون اثبات جرم و بدون حکم قضائی محبوس هستند. تعدادی از زندانیان محبوس در زندان «بگرام» بیش از دو \_ سه سال است که در این زندان نگهداری می شوند زندانیان این زندان، همچون زندانیان گوانتانامو امکان دسترسی به وکیل ندارند و حتی جرم هایشان به آنها ابلاغ نشده است. به گفته برخی از مقامات پنتاگون در پرونده این زندانیان به عنوان «مبارزان دشمن» اکتفاء شده است . به نوشته روزنامه نیویورک تایمز، برخی از مقامات دولت امریکا از این نکته اطلاع دارند که وضعیت نابسامان زندان بگرام و شباهت آن به وضعیت زندان گوانتانامو به گونه ای است که امکان دارد با واکنش های قانونی و سیاسی شبیه به زندان گوانتانامو روبه رو شود. در حالی که امکان بازدید از زندان گوانتانامو برای اعضای کنگره ایالات متحده امریکا و روزنامه نگاران وجود دارد، زندان بگرام از سال ۲۰۰۲ که آغاز به کار کرده تحت تدابیر شدید امنیتی بوده و تاکنون منطقه ای سری محسوب شده است. به همین دلیل امکان ورود افرادی به

غیر از نیروهای نظامی امریکائی مربوطه و صلیب سرخ هیچ کس اجازه ورود به این زندان را ندارد . عکسبرداری از این زندان، حتی از مناطق دور دست غیر قانونی است و تاکنون عکسی از این منطقه منتشر نشده است. [ بعد ها گزارشگران پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان عکس های چندی را از درون این زندان منتشر ساختند (گزارش تصویری ۳۸ - ۲۱ جنوری ۲۰۱۰) ] با توجه به گفته های زندانیان آزاد شده از این زندان و سربازان و مقامات امریکائی- مرتبط با آن- تصویری که از این مکان در مقایسه با زندان گوانتانامو ترسیم می شود بسیار سخت تر و نامناسب تر است. به گفته این افراد زندانیان در گروه های چند ده نفری در قفس های بزرگی که از سیم ساخته شده اند، نگهداری می شوند. بر این اساس زندانیان مجبور هستند که بروی کف قفس روی یک زیر انداز بخوابند و حتی تا یک سال پیش مجبور بودند که از کیسه پلاستیکی به عنوان توالی استفاده کنند. بر اساس این گزارش، پیش از انجام برخی اصلاحات در این زندان، زندانیان به جز مواردی که مجبور به صف کشیدن در حیاط کوچک زندان بوده اند، دسترسی به نور نداشته اند.

یکی از مقامات وزارت دفاع امریکا که از این زندان دیدن کرده است، در مورد آن گفت : « بگرام هیچ گاه قرار نبود به عنوان یک بازداشتگاه دائمی مورد استفاده قرار گیرد، اما اکنون بدون هیچ بودجه و نیروئی به زندان دائمی تبدیل شده است.» وی در مقایسه این زندان با زندان گوانتانامو گفت: « هر کس در زندان بگرام زندانی شده باشد به شما می گوید که این زندان بد تر است » .. اغلب زندانیان این زندان در جریان عملیات نیروهای امریکائی در جنوب افغانستان از بهار سال ۲۰۰۴ دستگیر شده اند. اظهارات مقامات افغان و گروه های خارجی مدافع حقوق بشر حاکی از آن است که میزان دوسیه های شکنجه در این زندان پس از انتشار خبر مرگ دو زندانی در دسامبر سال ۲۰۰۲ کاهش یافته است. پس از انتشار گزارش مذکور آویزان کردن زندانیان از سقف سلول های محل نگهداریشان با استفاده از زنجیر و با زانو به آنها ضربه زدن در این زندان متوقف شده است [ به هیچ وجه این توقف قابل تأیید این قلم نمی باشد خبر صرفاً جنبه تبلیغی دارد . ت .] از دیگر شکنجه هائی که در این زندان کاربرد دارد می توان به بستن زندانیان به در سلول و حمله ور شدن سگ های غران به طرف آنها و به وحشت انداختن آنها اشاره کرد [ اینهم تبلیغی بیش نیست . این سگهای تعلیمی برای عمل جنسی به جانب زندانی حمله ور می شوند . در بخش امریکای لاتین به این موضوع پرداخته شده - ت ] افزایش تعداد زندانیان در سال ۲۰۰۴ باعث شد که ارتش امریکا تعدادی بازداشتگاه موقت تأسیس کند و وضعیت زندان بگرام را بهبود بخشد [ این به اصطلاح بهبود فقط در بخش اعمار و استحکام زندان بوده نه در بخش رفاه زندانی - ت ] زندان معروف بگرام در محل سابق یک کارخانه تجهیزات هوائی که توسط نیروهای شوروی سابق در دهه ۱۹۸۰ ساخته شده، قرار دارد. گزارش های رسیده از افغانستان حاکی از آن است که در ماه مارچ گذشته سلول های ۹ نفره این زندان افتتاح و چندی بعد نیز بخش جدیدی به این زندان افزوده شده بود. یکی از زندانیان سابق این زندان که یک روستائی ۶۰ ساله است در مورد سلول حمل نگهداری می گوید : « سلولی که دو سال در آن زندانی بودم شبیه به یک قفس بود، قفسی شبیه به قفس هائی که حیوانات را در باغ وحش کراچی در آنها نگهداری می کنند » . این در حالی است که زندانیان گوانتانامو که قبلاً در سلول های شبیه به قفس نگهداری می شدند هم اکنون در سلول های بزرگ در ساختمان های فولادی مجهز به بیمارستان و فضای

آزاد نگهداری می شوند. زندانیان زندان بگرام به هنگام ورود به این زندان باید برهنه شوند و مجبور به پوشیدن یونیفورم های نارنجی رنگ هستند. آنها همچنین مجبور به استحمام به صورت دسته جمعی و زندگی در سلول هائی با چراغ روشن هستند که فقط چند ساعت در شب نورشان کم می شود. عبدالنبی ۲۴ ساله یکی از زندانیان این زندان است که در ماه دسمبر آزاد شد. به گفته وی تعدادی از زندانیان این زندان مرتباً به وضعیت خود اعتراض می کنند و با کوبیدن روی قفس های خود و گاهی اعتصاب غذا اعتراض خود را به گوش مسؤولان زندان می رسانند. وی در مورد واکنش مسؤولان زندان به این اعتراضات می گوید: « حبس معترضان در سلول های کوچک تر با دست های دستبند خورده پاسخ اعتراضات کوچک بود. روزها سلول انفرادی به این شکل هم پاسخ به معترضانی بود که بر اعتراضات خود پای فشاری می کردند. »

#### \*- زندان پلچرخی وریشه های شورش

زندان پلچرخی کابل نیمه شب شنبه تاریخ ۲۵ فبروری همین سال (۲۰۰۶) شاهد شورش تعدادی از زندانیان بود. این زندانیان ظاهراً به دلیل سرباز زدن از پوشیدن لباس مخصوصی که برای شان تهیه شده بود دست به شورش زدند. این شورش و تشنج آنقدر باعث نگرانی دولت آغای کرزی گردیده بود که تنها از نیروی های اردو به تعداد ۸۰۰ نفر با وسایط، تانک های زرهی و تجهیزات به چهار طرف زندان موضع گرفتند و به گفته یکی از جنرال های اردو بعد از ۱۲ دقیقه چهار طرف زندان را به محاصره خود درآوردند. به علاوه نیروی های اردوی افغانستان، نیرو های پولیس، عساکر کمکی و نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا نیز در صحنه حضور داشتند.

**دراثر این شورش تعداد ۴ تن کشته و حدود ۴۰ تن دیگر زخمی شدند. زندانیان اندکی بعد از شورش نعره های مرگ به امریکا را از داخل زندان سر میدادند.** سپس در نفس روز آنها خواهان مذاکرات با محمد یونس قانونی رئیس مجلس نمایندگان و با هم با صبغت الله مجددی رئیس مجلس سنا شدند، بالاخره صبغت الله مجددی به یوم دوشنبه تاریخ ۲۷ فبروری هنگام شام به زندان پلچرخی رفته و با زندانیان به مذاکره پرداخت. زندانیان چند پیشنهاد مشخص داشتند و با صبغت الله مجددی در میان گذاشتند این پیشنهادات عبارت بودند از، عدم پوشیدن لباس مخصوص زندان، رفع بد رفتاری های نیروهای امنیتی با ایشان، خوب شدن کیفیت غذای زندانیان و بالاخره زندانیان باید عفو عمومی شوند. جناب حضرت مجددی در بخش های دیگر برایشان وعده سپرد ولی در ارتباط عفو عمومی برای شان گفت که این کار غیر ممکن است، گرچه وعده رهایی تعدادی از زندانیان را برایشان داده است. درست بعد از این گفت و گوها آن تعداد از زندانیان که بیطرف بودند فقط در بین طالبان و اعضای القاعده گیر مانده بودند و تعداد شان به بیش از ۶۰۰ تن میرسید با نیروهای امنیتی در تماس شده و به بلاک دیگر که قبلاً برای شان آماده ساخته شده بود منتقل گردیدند. ولی چیزیکه لازم به تذکر است اینکه وابستگان طالبان و القاعده بعد از آن نیز به شورش خویش ادامه دادند، که گاه با اعتصاب غذائی و گاه با شورش همراه بود.

### \*- رئیس زندان پلچرخ جنرال سلام بخشی که مربوط جبهه متحد است

...با ذکر اینکه ضعف نیروهای امنیتی در سراسر افغانستان وجود دارد لازم به تذکر میدانم که این تنهاکابل نیست که مواجه به شورش و یاهم فرار کردن زندانیان در افغانستان میشود، بلکه قبلاً نیز در زندان های سایر ولایات مانند قندهار، خوست و مزارشریف چنین عملی صورت گرفته بود یعنی حتی تعدادی از زندانیان موفق به فرار گردیده بودند.

حال که سخن از تأمین امنیت زندان ها شد باید گفت که چندی قبل تعداد چهار زندانی از زندان بگرام نیروهای ائتلاف در افغانستان موفق به فرار شدند که از نگاه امنیت شاید پرامن ترین ساحه بوده ولی این که چطور این چهار عرب زندانی مربوط سازمان القاعده از این زندان (بگرام) پا به فرار نهاده اند سؤال است مبهم ولی گذشت زمان آن را روشن خواهد ساخت. این چهار عرب درست از محلی پا به فرار نهادند که در آنجا به استثنای خود امریکائی ها مردم دیگر حتی حق رفتن به آن ساحه را نداشتند چه رسد به داخل زندان.

**ا نگارنده " پاره ای از عملکرد ها سازمان سیا ... " از خود علاوه می کند :** در رابطه با فرار چهار زندانی آنهم از زندان پایگاه نظامی بگرام که به مراتب از زندان گوانتانامو تحت نظارت زندان بانان با تجربه تر و حرفه ئی تر قرار دارد، به این نتیجه رسیده که سازمان سیا برای فعالیت های اطلاعاتی در درون سازمان القاعده - به عنوان گریز- این افراد را از زندان فرار داده است .

در میان این چهار تن شاید یک و یا دو و یا سه تن آنها از اعضای القاعده بوده باشد که دارای معلومات و صلاحیت هائی در داخل سازمان منصوبه خود بوده اند. مستنطقین و متخصصین شکنجه که روانشناسی زندانی را در پهلوی شکنجه بدرستی فرا گرفته اند، شاید در جریان تحقیقات به این واقعیت پی برده باشند که یک تن از آنها پیشنهاد همکاری با CIA را خواهد پذیرفت، چه بهتر که زمینه فرارش را با سه تن دیگر از طریق طرح نقشه فرار توسط زندانی نفوذی CIA در القاعده ( که شرایط دستگیری شماری از هم حلقه هایش را قسمی تدارک دیده که آنان را همراه با خود یکجا به چنگ پولیس سیاسی و یا عساکر امریکائی انداخته تا هم حلقه هایش نسبت به وی دچار شک نگردیده باشند) که گویا باهوشیاری و دقتی که داشته نقطه ضعف استحکام و کنترل زندان بگرام را به درستی پیدا نموده و با سه تن دیگر در میان گذاشته - سه تن القاعده ای ، یا دوتن القاعده ای، یا دو تن دیگر نفوذی ( درچنین صورتی شرایط نزدیکی چهار زندانی مورد نظر را در داخل زندان به گونه طبیعی فراهم نموده ) و آنان را با خود همراه ساخته است . در نتیجه هر چهار تن از این زندان "فرار" کردند .

اینها بعد از " فرار " موفقانه در میان باند القاعده به مثابه شخصیت های استثنائی پذیرفته شده از طراح فرار به مثابه قهرمان تجلیل به عمل خواهند آورد و او را مورد ستایش و تکریم قرار خواهند داد . هرگاه کدام عنصر نفوذی دیگر در القاعده وجود داشته باشد اگر کدام فرد مسؤول باند القاعده در مورد "طراح فرار" به

مثابه عنصر نفوذی CIA شک نموده باشد؛ سعی خواهد نمود تا با شیوه های مختص به کار استخبارات شک آن فرد مسؤول را برطرف نماید.

مغزمتفکر استخبارات و پدر دسیسه و توطئه (داکتر نجیب جلاد که پدرش از طرفداران داوود خان و عضو مهم "ضبط احوالات" بود که بعد از تسخیر این نهاد توسط کی جی بی، وی نیز در خدمت روسها قرار گرفت) برای اولین بار یک خادی نفوذی داخل جمعیت را با شگرد خاصی زیر نام "فرار" از زندان پلچرخی بیرون کشید. من و این "فراری" در یک سلول عمومی بودیم. فاصله توشک من با او کمتر از پنج سانتی بود. من فرار ساختگی وی را - که زندانیان و زندانبانان را دچار بهت و حیرت ساخته بود - در میان شماری از رفقای نزدیک به خود افشاء کردم و در ماه جون ۱۹۹۳ مطابق ۱۳۷۲ در نوشته ام تحت عنوان:

« دست KGB در درون خورجین جمعیت درمانده » مندرجه شماره ۱۹۱ مؤرخ جوزا و سرطان ۱۳۷۲ مجاهد ولس چاپ ناروی برای نخستین بار ساختگی بودن "فرار" وی را اینطور رقم زدم:

« خاد در اوایل سال ۱۳۶۴ یک تن از اعضای را، که به اتهام فعالیت در جمعیت اسلامی «محکوم» به بیست سال زندان ساخته بود، از زندان "پلچرخی" ("منزل چهارم زون") فرار داد. [ "نجیب، جلاد خاد، با «فرار» دادن خادی «فوتبال باز» که در بین عده ای از فوتبال دوستان به نام «عثمان کل سک نفس» مشهور بود - با یک تیر به دو هدف رسید: از یکطرف توانمندی تشکیلات جمعیت اسلامی را در «تقابل» با خاد، به رخ سایر داره های «اخوانی» کشید. و «فراری» را به مثابه «قهرمان»، برای کار و بار استخباراتی و سیاسی به پاکستان و...، فرستاد (قراری که بعداً در زندان شنیده شد: «فراری در پاکستان با رادیوی B.B.C. در مورد فرارش مصاحبه ای انجام داده...») و از جانبی دیگر عدم لیاقت و بی کفایتی حریف هم قلاده اش، یعنی گلاب زوی خلقی وزیر داخله را در اداره امور آن بخش زندان که تحت فرمانش بود؛ با این شگرد به صاحبان روسی اش گوشزد کرد. - ] در رابطه با این قضیه قومندان خلقی "بلاک ۳" (سلطانی)، به شکل اهانت آمیزی از وظیفه اش برکنار گردید. و یک نفر از صاحب منصبان مسؤول آن بخش زندان (گلخان)، در همان "بلاک"؛ محبوس گردید. خاد با چنین صحنه آرائی و درامه بازی که موجب تعجب اکثریت زندانی ها گردید، برای چندمین بار نام نامی "جمعیت اسلامی" را سر زبان ها انداخت. » [

[ این قلم در بخش پانزدهم و یا شانزدهم خاطرات زندان که تا کنون نشر نشده در این رابطه به طور مفصل صحبت خواهد کرد ]

\*- یکی از سخنگویان نیروی های امریکائی اخیراً اظهار داشته که :

" بلاک چهار زندان پلچرخی با بودجه ۱۱ میلیون دالرامریکائی برای زندانیان افغانستان که در بگرام، قندهار و گوانتانامو زندانی هستند آماده میشود. این بلاک ذریعه نیروهای امریکائی بازسازی میشود ... " خبر بیانگر این است که زندانیان افغانستان فقط تغییر موقعیت داده خواهند شد، یعنی زندانیانی که در بگرام، قندهار و گوانتانامو تحت ظلم و شکنجه نیروهای امریکائی قرار دارند بار دیگر با به دست گرفتن اداره بلاک چهار زندان پلچرخی توسط امریکائی ها تحت ظلم و شکنجه آنها (امریکائی ها) قرار خواهند داشت. در اینجا ذکر ضرب المثل " دو ۱۵ مساویست به یک ۳۰" را نیز بی جهت نمیدانم. ۲۲ مارچ ۲۰۰۶



\*-۵۴:۱۲ گرینویچ - یکشنبه ۰۲ سپتمبر ۲۰۰۷ - ۱۱ شهریور [سنبله] ۱۳۸۶

اعتصاب غذائی در زندان پلچرخى کابل : صدها تن از زندانیان بازداشتگاه [زندان] پلچرخى در شرق کابل، در اعتراض به آنچه "شکنجه و عدم رسیدگی به پرونده های خود" می خوانند، دست به اعتصاب غذائی زده اند.

\*- 'شکنجه و لت و کوب (ضرب و شتم)'

شماری از زندانیان در تماس تلفنی با بی بی سی گفتند که اعتصاب غذائی آنها از بخش سوم به بخش چهارم زندان پلچرخى نیز گسترش پیدا کرده است. این زندانیان می گویند، زمانی به اعتصاب غذائی پایان خواهند داد که مقامات امنیتی از شکنجه آنان دست کشیده و سرنوشت آنها را روشن کنند. این افراد ادعا می کنند که از سوی مسؤولان اداره امنیت ملی لت و کوب (ضرب و شتم) می شوند و مورد شکنجه قرار می گیرند. یکی از این زندانیان می گوید تا حالا به آن عده از همقطاران او که در اثر پخش گاز روز گذشته از سوی نیروهای امنیتی بی هوش شده بودند، دارو نرسیده است. زندانیان ادعا می کنند که وضعیت در زندان پلچرخى متشنج است و تعداد اعتصاب کنندگان رو به افزایش است. آنها تهدید کردند تا زمان برآورده شدن خواسته هایشان به اعتصاب غذائی ادامه خواهند داد.

اما بسم الله، سرپرست زندان پلچرخى با رد این ادعاها می گوید وضعیت در زندان آرام است.

با این حال، یک هیأت اعزامی مجلس نمایندگان افغانستان که وضعیت را در زندان پلچرخى بررسی کرده می گوید تشنج هنوز در زندان ادامه دارد و به گفته عطاالله لودین، رئیس این هیأت، راه های حل این مشکل در دست بررسی است.

\* B B C PERSIAN.com

۲۰۰۵ ۰۱:۴۳ گرینویچ - شنبه ۲۳ جولای ۲۰۰۵

کیت کلارک ، بخش خبری بی بی سی، افغانستان

افغانها از شکنجه خود در بازداشتگاه های امریکا سخن می گویند : " اول لباسهای ما را از تنمان بیرون آوردند و آنگاه دستور دادند که سرپا بایستیم . من تمام مدت بازجوئی برهنه بودم."

حاجی میرزا محمد به اتهام همکاری با طالبان در سال ۲۰۰۴ در منزلش تحت بازداشت درآمد و سپس به پایگاه نیروهای تحت رهبری امریکا در گردیز واقع در جنوب شرق افغانستان برده شد. او می گوید :

"مدت چهار روز دستهای مرا از پشت بسته بودند. به من غذا نمی دادند و نمی گذاشتند بخوابم."

شهادت حاجی میرزا محمد، بخشی از اتهامات تازه ای است که بر نیروهای ائتلافی مبنی بر آزار زندانیان در بازداشتگاههای موقتی وارد می آید. زندانیانی که آزاد شده اند به خبرنگار بی بی سی گفته اند که در بازداشتگاه از غذا و خواب محروم نگاهداشته می شدند و مورد ضرب و شتم قرار می گرفتند. یک مترجم پیشین، اظهار داشت که شاهد آن بوده است که بازجویان با ندادن آب به زندانیان آن ها را تنبیه می کردند و با طعنه و سرزنشهای جنسی سعی داشتند که آن ها را وادار به حرف زدن بکنند

جنت گل، یکی از کسانی که در گردیز در بازداشت به سر می برده، می گوید که مجبورش می کردند روی زمین زانو بزند و سپس چهار یا پنج بازجو او را محاصره می کردند: " آنها به من می گفتند روی پاشنه ات ننشین، به سمت دیگر نگاه نکن، آنگاه به من دشنام می دادند و کتکم می زدند. مرا تا صبح در همان وضع نگاه داشتند و سه شب نگذاشتند بخوابم. شب آخر هم تا صبح زانو زده بیدارم نگاه داشتند."

جنت گل همچنین گفت که به او مشت و لگد می زدند و بعد به او گفتند که روی زمین دراز بکشد و افزود: " آنگاه با گردن مرا از روی زمین بلند کردند و تهدیدم کردند که اگر به کارهایی که کرده ام اعتراف نکنم مرا خواهند کشت."

جنت گل در حالی که دستهای زمخت و خشن خودش را نشان می داد گفت:

"من یک کشاورزم نه عضو شبکه القاعده. از آمریکاییها بپرسید که چرا مرا مدت شانزده ماه در بازداشت [حبس] نگاه داشتند. وقتی بعد از این مدت مرا آزاد کردند فقط گفتند خیلی متأسفیم. این تنها چیزی بود که به من گفتند. اگر چیزی به اسم حقوق بشر وجود دارد، من می خواهم که حق خودم را بگیرم."

ادامه دارد